

Research Article

The Effect of Futurology in Religious Rules to Manage Society Based on the Theory of Constructional Perceptions¹

Seyed Hatam Mahdavi Noor¹, Hossein Hajipour², Isa Molavi³

¹ Assistant Professor, Yadgar Imam Branch, Shahr-e ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding Author). Hmahdavinoor@yahoo.com

² Assistant Professor, Yadgar Imam Branch, Shahr-e ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Hajipour110@chmail.ir

³ PhD. in Islamic Education, University of Islamic Education, Qom, Iran. Molavi131@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to survey legislation model in Islamic religion and Shari'at to manage society based on the theory of constructional perceptions by Allāmah Tabātabā'i. The method of study is descriptive analysis and the results showed that in terms of a human's changing needs, Islam instead of a fixed law, has raised some principles by which Islamic scholars can gain awareness about the possible future and choose the optimal religious future. Within the framework of these principles and in line with time and place conditions, they can legislate proper, guiding, and felicity laws and structures to make a favorable future. These laws may differ from one place and time to another.

Keywords: Futurology, Religion, Constructional Perceptions, Allāmah Tabātabā'i.

1. Received: 2020/10/19 ; Accepted: 2021/06/25

** Copyright © the authors

*** <http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>



نقش آینده‌پژوهی در قوانین دینی برای اداره جامعه براساس نظریه ادراکات اعتباری^۱

سید حاتم مهدوی‌نور^۱، حسین حاجی‌پور^۲، عیسی مولوی^۳

^۱ استادیار، واحد یادگار امام(ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Hmahdavinoor@yahoo.com

^۲ استادیار، واحد یادگار امام(ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Hajipour110@chmail.ir

^۳ دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. Molavi131@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مدل قانون‌گذاری دین و شریعت اسلامی برای اداره جامعه، براساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که دین اسلام در بخش نیازهای متغیر انسان به جای وضع قانون ثابت، اصولی را مطرح کرده که اسلام‌شناسان می‌توانند با آینده‌پژوهی به آینده‌های ممکن علم پیدا کرده، آینده مطلوب دینی را برای وصول انتخاب نمایند و در چارچوب آن اصول، متناسب با شرایط مکان و زمان برای ساخت آینده مطلوب، قوانین و ساختارهای مناسب، هدایت‌بخش و سعادت‌آفرین وضع کنند و این قوانین ممکن است از یک مکان به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، دین، علوم اعتباری، علامه طباطبائی.

۱. مقدمه

آینده در حال ساخته شدن است و ساخته شدن سعادت‌مند آن با اقدامات هدفمند انسان‌ها، یعنی با انتخاب آنها میسر می‌باشد. انسان‌ها برای رسیدن به سعادت لازم است از پیامدهای اعمال خود و دیگران و اثر نیروهایی که در اختیار آنان نیست، آگاه باشند. پیامدهای یاد شده تنها در آینده خود را نشان خواهند داد. بنابراین، انسان‌ها نه تنها مایل به شناخت امور در حال وقوع هستند، بلکه می‌کوشند اموری را که در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بفهمند. از این جهت از قدیم پیشگویی و پیش‌بینی رایج بوده و امروز نگاه به آینده به صورت علم آینده‌نگری درآمده است.

از یک طرف تقریباً تمام جهت‌دهی به رفتارهای اختیاری انسان در حوزه اعتباریات قرار می‌گیرد و آنچه بشر امروز اعتبار و به آن عمل می‌کند، آینده‌اش را می‌سازد. از این رو اعتباریات به آینده‌پژوهی و آینده‌سازی مربوط می‌شود. از طرف دیگر، دغدغه فرد دیندار اجرای دستورات الهی و همچنین ایجاد جامعه مطلوب دینی است و در نتیجه این فرد نسبت به آینده حساس بوده و می‌خواهد آینده مطلوب خود را مبتنی بر آموزه‌های دینی بسازد.

آینده‌های مطلوب ساختنی هستند و وضعیت مطلوب از نظر انسان‌های مختلف متفاوت است. هر کس بنا بر نوع جهان‌بینی‌اش برای ساخت آینده مطلوب خود تلاش می‌کند و مسلم است انسان دیندار هم بر محور آموزه‌ها و گزاره‌های دینی درصدد است آینده را بسازد. اتفاقات آینده را می‌توان در دو بخش تحلیل کرد: تغییرات در طبیعت و تحولات در رفتارهای فردی و روابط اجتماعی بین انسان‌ها که عمده رفتارهای فردی و روابط اجتماعی بین انسان‌ها براساس قراردادهای و اعتبارها جهت می‌گیرد و البته این رفتارها و روابط بر طبیعت هم تأثیر خواهند گذاشت.

قطعاً بسیاری از امور در آینده قابل پیش‌بینی است و اگر جامعه اسلامی برای تغییرات آینده برنامه‌ریزی نکند، دوام و رسیدن به اهداف در گردهادهای حوادث دشوار خواهد بود. اینترنت و فضای مجازی نمونه‌ای از این تغییرات است که سال ۱۹۶۵ میلادی مهندس مور از بنیان‌گذاران شرکت آی‌بی‌ام زمانی که رایانه‌ها به اندازه یک ساختمان بزرگ بودند، پیش‌بینی کرد رایانه‌ها آنقدر کوچک شوند تا در دست جای گیرند و با آن بازی شود

(Moore, 1965). شرکت‌هایی که به این پیش‌بینی توجه کردند، بازار رایانه را به دست گرفتند و شرکت‌های دیگر از صحنه حذف شدند.

لازم است پیش از وقوع یک رویداد، قوانین مناسب برای جلوگیری از پیدایش یا تسریع در ایجاد و یا هدایت آن به سمت مطلوب آن وضع و اقدامات بایسته انجام شود تا همچون ورود هر فناوری به کشور، مشکلات عدیده ایجاد نشود. لذا، باید آینده‌هایی که احتمال وقوع دارند، به دقت شناسایی شوند و برای ساخت آینده مطلوب دینی برنامه‌ریزی صورت گیرد.

یکی از فرضیه‌های مطرح در این زمینه، تکینگی فناوری است که پیش‌بینی می‌کند شتاب در فناوری در نهایت باعث پیشی گرفتن هوش مصنوعی از هوش بشر می‌شود و اگر توانایی‌های آن قابل درک نباشند، اتفاقات بعد از تکینگی فناوری در آینده ممکن است پیش‌بینی‌ناپذیر باشند. تکینگی فناوری نظریه‌ای پیشگویانه مبنی بر خلق یک ابرهوش مصنوعی و فراتر از هوش بشری است که به زودی منجر به بروز تغییراتی عظیم در جامعه‌ی بشری می‌شود و تنها کسانی قدرت اداره جوامع بشری را خواهند داشت که بر آن مسلط بوده و بلکه خود ایجادکننده آن باشند. لذا، اسلام‌شناسان لازم است برای آن زمان برنامه‌ریزی مناسب داشته باشند (Eden, Moor, Soraker & Steinhart, 2013, P. 1).

اندیشیدن درباره آینده برای همه کسانی که به نوعی در اداره جوامع اسلامی نقش دارند، ضروری است. واکنش بدون اندیشیدن به آینده، امکان‌پذیر است، اما کنش امکان‌پذیر نیست، چرا که عمل نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (ارزش‌ها، آرمان‌ها، مأموریت‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیش‌ران‌های اقدامات فعلی ما هستند. بنابراین، آینده امری است که مردم می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده، شکل دهند. مردم برای آنکه خردمندانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدها و اقدامات آتی خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند و واکنش‌های دیگران و نیروهایی را که خارج از کنترل آنها است، بررسی کنند. این پیامدها، تنها در آینده خود را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال رخ دادن را بفهمند، بلکه می‌کوشند اموری را که شاید رخ دهد یا بالقوه امکان رخ دادن دارد یا در شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با بهره بردن از این

شناخت حدسی موقعیت آتی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال کرده، از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می‌گذرند.

با تبیین فوق، به این نکته اشاره می‌شود که از یک طرف دین اسلام داعیه جهانی بودن دارد و از طرف دیگر ختم نبوت اعلام شده و آنچه در میان ما می‌باشد، منبع عظیمی از آموزه‌های دینی در قرآن و روایات است. بنابراین، از آنجا که بسیاری از امور در گذشته رخ نداده، باید به دنبال برنامه‌ای برای صدور حکم از طرف منبع عظیم قرآن و روایات برای دنیای لحظه‌ای و متغیر امروز بود. از طرف دیگر وضع قانون و اعتبار کردن به واضع و اعتبارکننده بستگی دارد. به همین جهت باید به دنبال راهکاری بود که اعتباریات به صورت واقع در چارچوب شرع قرار گیرند، یعنی اگر فقه داعیه‌دار است که در زمان غیبت وظیفه استنباط احکام با فقها است، آیا نظام‌ساز می‌باشد یا خیر. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش در سه محور خلاصه می‌شود:

اول. فقه زمانی نظام‌ساز است که فقیهان به وضع قوانین متناسب با زمان و مکان اقدام کنند.

دوم. اسلام در بخش پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر زندگی انسان اصولی را مطرح کرده که اگر در چارچوب آن قوانین، وضع و اعتبار شوند، قوانین نیز دینی است.

سوم. اسلام‌شناسان (فقیهان) و مدیران نظام اسلامی می‌توانند با آینده‌پژوهی به آینده‌های ممکن، علم پیدا کنند و از میان آنها آینده مطلوب اسلامی را انتخاب کرده و برای وصول به آن با رعایت اصول مورد نظر اسلامی قوانین و ساختارهای مناسب سعادت‌آفرین وضع نمایند.

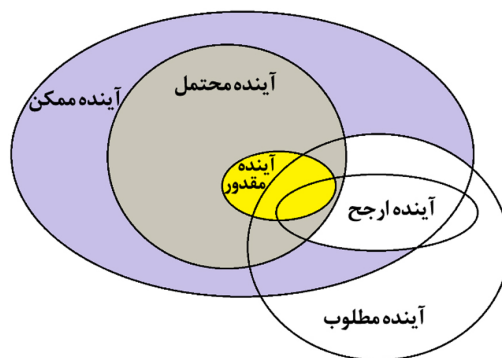
۲. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف از نوع اکتشافی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که برای اعتباریابی از گروه کانونی استفاده شده است. در روش گروه کانونی ۳۰ نفر از افراد خبره به شیوه نمونه‌های در دسترس انتخاب شدند و از آنها خواسته شد تا نظر و تحلیل‌شان را در مورد موضوع بیان کنند و نظرات تا حصول نتیجه مورد تقریب قرار گرفت.

۳. مطالعات آینده

از آنجا که انسان دارای اختیار و اراده است، آینده خود را خواهد ساخت. آینده پیش‌رو

به چند صورت قابل بررسی است: آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل، آینده‌های ارجح، آینده مطلوب و آینده مقدور. آینده‌های ممکن آینده‌هایی هستند که امکان تحقق دارند. در اینجا امکان در مقابل امتناع قرار دارد، یعنی آینده‌هایی که غیرممکن نیستند. آینده محتمل، آینده‌ای است که احتمال وقوع دارد و آینده‌ای محتمل است که ممکن باشد و همچنین شرایط لازم برای عدم وقوع آن نباشد. پس آینده محتمل خاص‌تر از آینده ممکن است. آینده ارجح آینده‌ای است که برای انسان ترجیح دارد و منافع انسان در وقوع آن است. رابطه این آینده با دو نوع آینده قبلی عموم و خصوص من وجه می‌باشد، زیرا ممکن است آینده‌ای برای انسان ارجح باشد که ممکن‌الوقوع نباشد. آینده مطلوب، آینده آرمانی و ایده‌آل بوده و آینده مقدور آینده‌ای است که ساخت آن در محدوده قدرت انسان می‌باشد. انسان برای آنکه آینده خود را بسازد، باید آینده را بشناسد.



نمودار ۱- انواع آینده

مطالعات آینده در مقابل بررسی گذشته قرار دارد و در سال ۱۹۴۳ میلادی اوسپ فلچ هیم آن را معرفی کرد. مطالعات آینده یا آینده‌پژوهی، مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و شناسایی جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌هایی است که به آینده شکل می‌دهد. برداشت پرده‌های ابهام از آینده، آشنا ساختن بیش از پیش انسان با گزینه‌های محتمل آتی و افزایش میزان استیلای انسان بر آینده، اهداف این حوزه مطالعاتی به شمار می‌آید (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳). یکی از اهداف مطالعات آینده، پرداختن به زمان حال است (محمودپور، ۱۳۹۲)، چرا که زندگی در جهان و ساختن آینده، مستلزم ساخت‌گشایی

دایمی از حال است، یعنی آنچه در اینجا و در این لحظه است، این ساخت‌گشایی به‌وسیله معرفت‌های در حال تغییر درباره زمان گذشته و آنچه بوده، به‌وسیله آنچه می‌تواند باشد و خواهد بود، یعنی با زمان آینده صورت می‌گیرد (کارگر، ۱۳۸۹). مطالعات آینده‌شناسی، هنر کشف و شناسایی و مهندسی هوشمندانه آینده و دانشی به شدت ارزش‌بنیاد است که بر پایه ارزش‌های هر جامعه ساخته می‌شود. بر همین مبنا است که به تعداد تمدن‌ها یا اندیشه‌هایی که در حوزه‌های مختلف فکری و بشری وجود دارد، آینده‌پژوهی وجود دارد (علی احمدی و سفیدگر، ۱۳۹۷).

آینده‌نگری به دنبال آن است تا براساس گذشته، آینده را پیش‌بینی کند و با روش‌های دیگر، به سه دلیل متمایز می‌شود:

اول. مطالعات آینده اغلب نه تنها آینده ممکن، بلکه آینده‌های محتمل و ارجح را بررسی می‌کند.

دوم. مطالعات آینده عمدتاً تلاش دارند تا دیدگاهی جامع و منظم براساس آینده‌نگری‌های رشته‌های مختلف ارائه دهند.

سوم. مطالعات آینده، دیدگاه‌های رایج و غالب در مورد آینده را به چالش می‌کشند (نوبخت، ۱۳۹۲).

۳-۱. ضرورت مطالعات آینده‌شناسی

آینده‌شناسی از چند جهت اهمیت پیدا می‌کند:

الف) بسیاری از حوادث و رویدادهای آینده قابل پیش‌بینی هستند. دخالت انسان در این رویدادها تغییر و تحولات مطلوب را ایجاد خواهد کرد، اما در اغلب موارد اشتغال به زمان حال و تلاش در جهت رفع مشکلات موجود، مانع از آن می‌شود که انسان‌ها به آینده بیندیشند، حال آنکه مشکلات کنونی ناشی از عدم شناخت آینده‌هایی بوده که اینک زمان حال نامیده می‌شود.

ب) فناوری‌های هم‌گرا شده، ترکیبی هم‌افزا و هم‌کوشان از نانو فناوری، فناوری زیستی، فناوری اطلاعات و علوم شناختی به عنوان نیروی پیشران انقلاب فناوریانه تازه، چهره و سرشت جهان پیرامونی را به شدت دستخوش دگرگونی خواهد ساخت. ورود محصولات فناوریانه تازه به بازارها، موجب رقابتی فراگیر در حوزه اقتصاد و فرهنگ خواهد شد و

قطب‌های تازه‌ای در عرصه دانش و فناوری پدیدار خواهند گردید. در این جدال نفس‌گیر، بقاء و افزایش سهم از ثروت و قدرت جهانی، عمده‌ترین دغدغه دولت‌ها، ملت‌ها و پیمان‌های فراملی است. جهان آینده جولانگاه تحولات و ناپایداری‌ها بوده و تنها کسانی یارای ایستادگی در برابر تندبادها، رویدادها و حوادث را دارند که به شیوه‌ای کنش‌گراانه و پیش‌دستانه به پیشواز تغییر بشتابند و حتی خود عامل و کنش‌گر تغییرهای دلخواه باشند. دستیابی به این توانمندی نیازمند چیرگی بر دانش راهبردی آینده‌پژوهی و کاربست آن در عرصه عمل و رقابت‌های آینده است (قانع، ۱۳۸۸).

۴. ادراکات اعتباری، مبنای مطالعات آینده‌پژوهی دینی

از آنجا که فرضیه اداره جوامع براساس قوانین دینی مطرح شده و ادعای پژوهش حاضر، لزوم مطالعات آینده‌پژوهی برای تحقق این فرضیه است، نظریه اعتباریات و ادراکات اعتباری، مفروض این تحقیق و مبنای آینده‌پژوهی دینی برای اداره جوامع بوده و این پژوهش مدعی است که جهت مطالعات آینده‌پژوهی دینی باید دیدگاه علامه طباطبایی در ادراکات اعتباری مفروض قرار گیرد. به همین جهت تبیین ادراکات اعتباری ضرورت دارد.

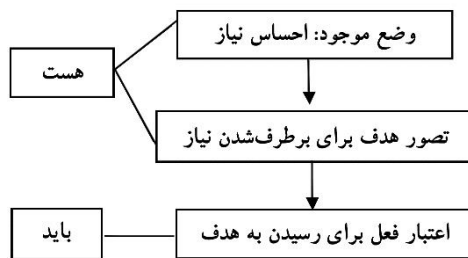
از دیدگاه علامه طباطبایی، برخلاف مفاهیم حقیقی، مفاهیم اعتباری مفاهیمی هستند که مابه ازای خارجی ندارند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳-۱۱۶). به عنوان مثال، ملکیت امری اعتباری است و در خارج نمی‌توان چیزی را نشان داد که این ملکیت است. انسان برای اداره امور اجتماعی خویش آن مفاهیم را وضع کرده و ممکن است روزی آن را تغییر دهد. در این نوشتار، مفاهیم اعتباری به معنای مفاهیم قراردادی در نظر گرفته شده است.

به تعبیر شهید مطهری در شرح ادراکات اعتباری، آنها فرض‌هایی هستند که ذهن برای رفع احتیاجات جامعه انسانی، آنها را ساخته و یا می‌سازد که تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیطی هستند، با تغییر آنها تغییر می‌کنند و سیری تکاملی دارند، لذا، نسبی و موقت هستند (مطهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۳۸).

یکی از بحث‌های مهم در ادراکات اعتباری آن است که انسان چگونه این اعتبارها را در زندگی خود ضرورت می‌بخشد. از دیدگاه علامه طباطبایی هر فرد انسانی یک واحد طبیعی است که دو نوع فعالیت و آثار دارد: فعالیت و آثار طبیعی یا جبری از قبیل تغذیه، رشد و

تولید مثل و فعالیت و آثار اختیاری (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷-۱۲۰). هر یک از فعالیت‌های اندیشه‌ای برای تحقق هدفی در دنیای خارج انجام می‌شود و هیچ فعل عبثی وجود ندارد. آنچه در خارج می‌خواهد محقق شود حقیقی است و رابطه امر واقعی و اعتباری نیز همین‌جا شکل می‌گیرد. اگر این رابطه وجود نداشته باشد، پس اعتباریاتی نمی‌تواند اثر حقیقی داشته باشد. به نظر علامه طباطبائی هر پدیده‌ای در جهان با افعالی سر و کار دارد و اهدافی را دنبال می‌کند که به صورت طبیعی و تکوینی به وسایل آن‌ها مجهز است و هیچ وقت به دنبال انجام افعالی که به وسایل آن مجهز نیست، نمی‌رود. برای مثال انسان چون جهاز طبیعی خوردن دارد، می‌خورد و برای هدف خاصی هم می‌خورد. مفهوم باید همان نسبتی است که میان قوه فعاله و اثر آن موجود است. این نسبت اگرچه حقیقی و واقعی می‌باشد، ولی انسان آن را میان قوه فعاله و اثر مستقیم خارجی آن نمی‌گذارد، بلکه پیوسته میان خود و صورت علمی احساسی که در حال تحقق اثر و فعالیت قوه داشت، قرار می‌گیرد.

بر این اساس، انسان به واسطه به کار انداختن قوای فعاله خود، سلسله‌ای از مفاهیم و افکار اعتباری تهیه می‌کند و ضابط کلی در اعتباری بودن یک مفهوم و یک فکر این است که به وجهی متعلق قوای فعاله گردد و نسبت «باید» را در آن بتوان فرض کرد (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰-۱۲۳). رابطه هست و باید در نمودار ذیل تصور می‌شود.



نمودار ۲- نحوه انتزاع مفهوم باید از هست در نظر علامه طباطبائی

ارتباط بین دیدگاه اعتباریاتی و آینده‌پژوهی دینی جهت اداره جامعه بدین صورت است که اعتباریاتی در عالم واقع تأثیر دارند و اعتبار آنها برای رفع نیازهای بشر است. علامه طباطبائی معتقد است در قضایای اعتباری برهان جریان ندارد، زیرا مقدمات برهان باید سه

ویژگی ضرورت، دوام و کلیت را دارا باشد، در حالی که این سه ویژگی در قضایای اعتباری محقق نمی‌شود. این ویژگی‌ها از تطابق با نفس الامر به دست می‌آید، یعنی اوصافی مانند ضرورت و کلیت، اموری حقیقی است که ذهن انسان برای قضایایی که از تکوینات خبر می‌دهند، اذعان می‌کند، اما قضایای اعتباری که نفس الامر و حقیقتی ندارد، نمی‌تواند متصف به چنین اوصافی شود (طباطبائی، بی تا، ص ۲۲۹).

در اعتباریات چنان که از تعریف آن روشن است، هدف و غایتی در نظر گرفته می‌شود و برای رسیدن به آن هدف مفاهیمی عاریت گرفته شده از حقایق، فرض و اعتبار می‌گردد. برای سیر و سلوک فکری و استدلالی در اعتباریات، آن هدف و غایت نصب العین استدلال کننده و مخاطب استدلال خواهد بود. هر حرکت استدلالی که در راستای آن هدف باشد، ارزشمند تلقی می‌شود و هر حرکتی که نسبت به آن هدف مثمر ثمر نباشد، لغو و غیر ارزشمند خواهد بود. بنابراین، حرکت‌های فکری در اعتباریات مبتنی بر تسالم بر اهداف معین در اعتباریات است.

از آنجا که علوم اسلامی در یک دسته‌بندی به اعتقادات، احکام و اخلاق تقسیم می‌شوند و خداشناسی، معادشناسی، جهان‌شناسی، راهنماشناسی و انسان‌شناسی جزو اعتقادات و معارف اسلامی هستند، و از آنجا که طبق دیدگاه اعتباریات علامه طباطبائی، بخش شریعت و احکام اسلامی، اعتباری است (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۴۹)، لذا در هر عصری نیازمند به اجتهاد پویا و نگاه نو به احکام دینی است و بلکه فقها و مجتهدان به عنوان اندیشمندان شریعت اسلامی و کشف‌کنندگان احکام و قوانین برای بشریت، نه تنها باید قوانین اسلامی عصر خویش را کشف و اجتهاد نمایند، بلکه با توجه مبحث تکینگی فناوری که بیان شد، اداره جوامع آینده بر این اساس شکل می‌گیرد، ضرورت دارد فقها و اندیشمندان شریعت اسلامی نسبت به مطالعات آینده‌پژوهی اهتمام داشته باشند.

۵. رابطه اعتباریات، علوم اسلامی و آینده‌پژوهی

گفته شد قوانین بشری، عرف و سنت‌ها، رسوم و مقررات اجتماعی، همگی از مفاهیم اعتباری هستند و وضع مفاهیم اعتباری در زندگی اجتماعی تحت تأثیر نگرش‌ها و نگاه‌هایی است که نسبت به عالم هستی و انسان وجود دارد. کسانی که انسان را مادی محض و محدود به زندگی دنیا می‌شناسند و مرگ را نقطه پایان حیات انسانی قلمداد

می‌کنند، عرف و قواعد اجتماعی را به گونه‌ای شکل می‌دهند تا بیشترین لذات و شهوات مادی و بهره‌مندی این جهانی را رقم می‌زنند. مشرکان و بت‌پرستان در راستای تحصیل رضایت الهه خویش سنن و قوانینی را ایجاد می‌کنند، اما معتقدان به مبدأ و معاد به گونه‌ای زندگی اجتماعی و مقررات آن را شکل می‌دهند که سرانجام به سعادت دنیوی و اخروی بینجامد. بنابراین، به تناسب نگرش‌های بنیادی از انسان و جهان (حوزه ادراکات حقیقی) صورت‌های مختلفی از زندگی اجتماعی و مفاهیم اعتباری خواهیم داشت (آقاجانی، ۱۳۹۳) و در واقع براساس آنچه جامعه اعتبار می‌کند، دورنماهای مختلفی از زندگی شکل می‌گیرد و این دورنماهای زندگی، سبک‌های متفاوتی برای زندگی شکل می‌دهد.

روشن است آینده با اعتبارهای امروز و میزان پایبندی جامعه به آن اعتبارها ساخته می‌شود. وقتی که انسان برای رفع احتیاجات خود اموری را اعتبار می‌کند، ممکن است اموری را اعتبار کند که با شرع ناسازگار باشد، برای مثال ازدواج امری اعتباری است و در غرب ازدواج هم‌جنس را قانونی اعلام کرده‌اند. آیا شرع در اعتباریات برای انسان تکلیف معین کرده یا خیر؟ اگر تکلیف مشخص کرده، پس جایی برای اعتبار انسان نمی‌ماند و اگر تکلیف مشخص نکرده، فعل انسان چه حکمی دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها به بحث قلمرو دین منجر می‌شود.

۵-۱. نگاه حداقلی به دین برای سعادت دنیا و آخرت

گروهی عقیده دارند دین مربوط به امور شخصی انسان‌ها بوده و از ارتباط انسان با خدا سخن می‌گوید. لذا، پاسخ‌گوی بسیاری از معضلات اجتماعی نیست. طبق این دیدگاه که جدایی دین از سیاست و حکومت نام گرفته، حتی حضور دین در اخلاق نیز محدود پنداشته شده و ارزش‌های اخلاقی جنبه فرادینی یافته که لازم نیست باید و نبایدهای اخلاقی از دین گرفته شود. بر این اساس دین به سعادت دنیوی انسان‌ها کاری ندارد و تنها باید تضمین‌کننده سعادت اخروی آنها باشد. لذا، بشر باید با عقل جمعی خود به تدبیر دنیای خویش بپردازد (سروش، ۱۳۷۴، ص ۲۶؛ همان، ۱۳۷۷، ص ۱۰). توجیه این دیدگاه آن است که عرصه سیاست، غیر مقدس (یعنی علمی) می‌شود و دین مقدس می‌باشد و چون جمع امر مقدس با امر غیر مقدس نامطلوب است، لذا دین مقدس را با سیاست غیر مقدس آمیختن، آب در هاون کوبیدن است. بدین ترتیب با نامقدس تلقی کردن عرصه سیاست، آن

را از ساحت دین خارج کرده و این تلقی غیر دینی را هم عین معرفت دینی می‌داند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۷۹، ص ۳۹؛ سروش، ۱۳۷۵، ص ۳۵۶). این دیدگاه معتقد است در هیچ جای قرآن دیده نمی‌شود که گفته شده باشد ما آن را فرستادیم تا به شما درس حکومت، اقتصاد و مدیریت یا اصلاح امور زندگی دنیا و اجتماع را بدهد، ولی به طور کلی گفته شده است که شما در روابط فی‌مابین، عدالت، خدمت و اصلاح را پیشه کنید و تا عمل صالح انجام ندهید، ایمان به خدا، شما را راهی بهشت نخواهد کرد (بازرگان، ۱۳۷۱، ص ۶۱-۶۴)

روشن است وقتی امور به عقل واگذار می‌شود، ممکن است اموری ضدّ هم را اعتبار کند. علامه طباطبائی از موضوع فطرت در موارد مختلفی از حوزه‌های انسانی به خوبی استفاده کرده است. از نظر ایشان آدمی برای رفع نواقص و نیازهای خود، به حال خود رها نشده، بلکه باز پای فطرت به میان می‌آید تا همچون هاتقی منافع و مضار او را در درونش بانگ زند: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَالَّذِينَ هُمْ فَجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس، ۸). این فطرت ویژه او را به مسیر و غایت ویژه‌ای هدایت می‌کند و همه انسان‌ها به منزله نوع واحد در این ویژگی مشترک‌اند و منافع و مضار و غایتی مشابه دارند. با توجه به این حقیقت، بدیهی است همه انسان‌ها در همه جوامع باید رویکرد عملی واحد و هدایت‌گر عملی یگانه‌ای داشته باشند و این هدایت‌گر واحد، همان فطرت است. لذا، در آیه سی‌ام سوره مبارکه روم بعد از جمله «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، عبارت «لَا تَبْدِيلَ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ» آمده است. سنت دینی براساس چنین بنیان واحد و مشترکی در انسان‌ها به نام فطرت تأسیس شده است. البته این به معنای عدم وجود سنت‌های جزئی مختلف از جهت اختلاف در افراد و اختلاف در زمان و مکان نیست (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۱۷۸-۱۷۹). بازگشت به فطرت و التزام به احکام و اقتضائات آن که گاه به صورت ناآگاهانه و بدون اسم و نام ظهور و بروز می‌یابد، یکی از مهم‌ترین راه‌های همسویی جوامع در اعتباریات اجتماعی و پیدایش علوم اجتماعی همسو می‌باشد (آقاجانی، ۱۳۹۳). با این بیان حتی در نگاه حداقلی به دین می‌توان قوانین جهان‌شمول وضع کرد.

۵-۲. نگاه حداکثری به قلمرو دین برای اعمال حکومت

علمایی چون امام خمینی، علامه طباطبائی، شهید مطهری، استاد محمدتقی جعفری و

سید قطب که هدف اصلی دین را آخرت برشمرده و پرداختن به دنیا را عرضی می‌داند، معتقدند بدون پرداختن به این امر عرضی، هدف اصلی محقق نخواهد شد. امام خمینی می‌فرماید:

تمام چیزهایی که انبیاء آوردند، این‌ها مقصود آنها بالذات نبوده‌اند. تشکیل حکومت مقصود بالذات نیست. آنچه انبیاء برای او مبعوث شده بودند و تمام کارهای دیگر مقدمه اوست. بسط توحید و شناخت مردم از عالم و به دنبال این بودند که همه تهنیدها، تعلیم‌ها و همه کوشش‌ها در این باشد که مردم را از این ظلمت‌کده‌ها که همه عالم ظلمت است، نجات بدهند و به نور برسانند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۳۴).

اگر منظور از دین مجموعه معارفی است که در قرآن آمده، باید پذیرفت دین امری فردی نیست و به امور اجتماعی از جمله حکومت و اقتصاد هم پرداخته است. از مرور آیات قرآن این موضوع به خوبی روشن می‌شود که دستور به قضاوت پیامبران و همه انسان‌ها در بین مردم (ص، ۲۶؛ مائده، ۴۲؛ نحل، ۹۰؛ حجرات، ۹)، دستور به جهاد با کافران (توبه، ۲۹)، حرمت خوردن برخی خوراکی‌ها (مائده، ۳)، ارتباطات خانوادگی (بقره، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۳۲) از جمله موارد متعددی است که به وضوح بر شأن اجتماعی و حکومتی دین تاکید دارد. بنابراین، باید گفت دین امری کامل و دستورالعملی جامع است که برای سعادت دنیوی و اخروی انسان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی وی وارد می‌شود و قلمرو دین محدود نبوده، از اقتصاد، سیاست و حکومت جدا نیست.

البته اگرچه دین هیچ یک از شئون زندگی بشر را فروگذار نکرده، به علت تفاوت جوامعی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند و نیازهای آنها متفاوت است. دین برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر باید دائماً نو شود و ارتباط با خدا از طریق وحی هیچ‌گاه قطع نگردد. بدین صورت که چون انسان دو نوع حاجت و نیاز ثابت و متغیر دارد، اسلام برای نیازهای ثابت، قانون ثابت و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر وضع کرده است. البته قانون متغیر قانونی است که اسلام آن را به یک قانون ثابت وابسته کرده و آن قانون ثابت را به منزله روح این قانون متغیر قرار داده که خود آن قانون ثابت، این قانون متغیر را تغییر می‌دهد (مطهری، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۲۶-۳۲۷).

تعالیم و قوانین اسلامی از حیث قوانین ثابت و متغیر چهار دسته هستند: پاره‌ای از

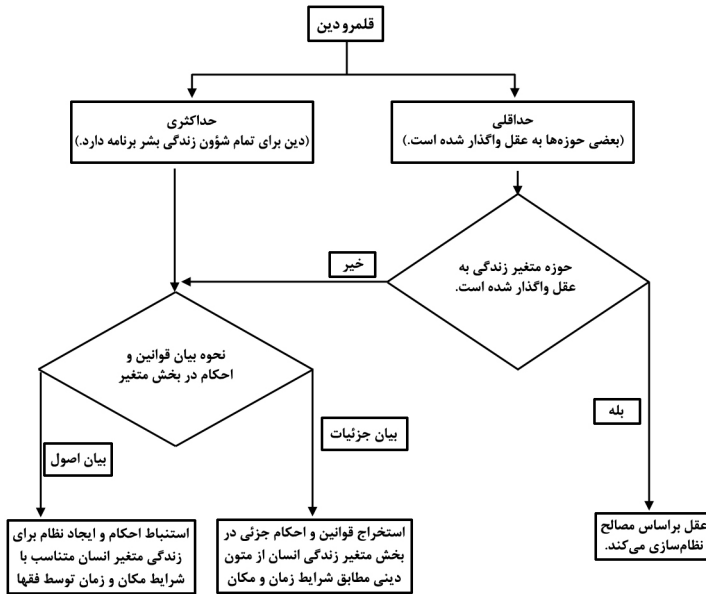
قوانین مربوط به رابطه انسان با خداست و تغییرات و مقتضیات متحول زمان در این زمینه یا تأثیر ندارد یا خیلی کم در شکل آن تأثیر دارد: زیرا رابطه انسان با خدا به ویژگی‌های محیطی وابسته نیست. دسته دوم دستورهای مربوط به رابطه انسان با خودش است که اصطلاحاً اخلاق فردی نامیده می‌شود. نوع سوم مربوط به ارتباط انسان با طبیعت است که ارتباط وی چگونه با زمین و گیاهان و حیوانات، بر چه اساسی باشد. قسم چهارم که از همه مهم‌تر و بیشتر مورد توجه و دستخوش تغییر و تحول است، قوانین مربوط به رابطه انسان با انسان‌ها می‌باشد. به همین جهت است که گفته شده رابطه انسان با انسان متغیر است، پس قوانین هم باید متغیر باشد (مطهری، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۱۰-۳۰۳).

فقها با فرآیند اجتهاد از منابع دینی، نیازهای متغیر انسان را پاسخ می‌دهند. اما از آنجا که نیازهای انسان‌ها بسیار متفاوت است، فقه و فقهات چگونه می‌تواند تمامی نیازهای متغیر انسان‌ها را پاسخگو باشند؟ در پاسخ باید گفت از آنجا که فقه، متولی اداره جامعه اسلامی و متکفل ارائه راه‌حل مشکلات مردم است، نباید نظاره‌گر و منتظر ارائه راه‌حل از سوی دیگران باشد. مقام فقهات و اجتهاد پویای اسلامی با مقام صرفاً تعلیم میراث گذشتگان و مقام نقد میراث گذشته متفاوت و به معنای وضع قانون الهی توسط فقها و علمایی است که براساس ساختار اصول و ارزش‌های دینی، با استفاده از عقل پویا جزئیات را متناسب با شرایط زمانی و مکانی استخراج می‌کنند. استخراج جزئیات همراه با تناسب شرایط زمانی و مکانی به خصوص در عصر پیشرفته ارتباطات که اندیشمندان برای جوامع آینده‌نگری و آینده‌سازی می‌کنند، به معنای تخصص فقها و رفتن به سمت فقه عرصه‌ای و تخصصی در معیت فقه عام است. برای مثال مسائل کلان اقتصاد امروز، مجتهدان اقتصاددان متعددی لازم دارد که علاوه بر آشنایی با قواعد عام فقه، باید به صورت تفکیک شده به جنبه‌های گوناگون نظام بانک‌داری، بورس و سایر شئون اقتصاد تسلط داشته باشند و استنباط حکم آنها بر محور صرفاً گزارش دیگران نباشد.

اگر به بخش فقه و شریعت اسلامی چنین نگرسته شود، یعنی اصول اسلام به صورت سلسله مراتبی در تمام شئون احصاء گردد، سپس فقها مطابق شرایط زمان و مکان قوانین کلی را استخراج کنند، آن‌گاه از قول و فعل معصوم، قاعده کلی استخراج نمایند که مسایل با آن اصول حل شوند، در این صورت قول و فعل معصوم، شاهد چگونگی تطبیق قواعد

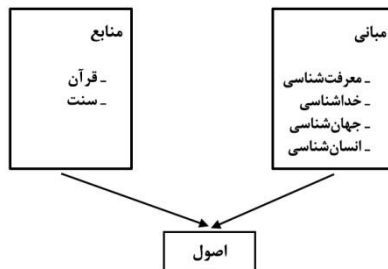
کلی بر فروعات آن زمان خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، برای اعتبار کردن امور لازم است اصول مشخص شده از شرع را در نظر داشت و اموری که خارج از چارچوب آن اصول است را اعتبار نکرد (نمودارهای ۳ و ۴).



نمودار ۳- نظریه‌های مختلف در امور قلمرو دین

اصول به صورت نمودار ۴ استخراج می‌شوند.



نمودار ۴- نحوه استخراج اصول در بخش متغیر زندگی انسان

آینده مطلوب از نگاه دین، آینده‌ای است که اصول مطرح شده در دین در آن اجرا و

انسان‌ها به خداوند، روز جزا و سایر معارف ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند. بر این اساس می‌تواند دنیاهای مختلفی با قراردادهای مختلفی وجود داشته باشد و البته تجویز دنیای واحد با وجود امور متغیر امکان‌پذیر نخواهد بود.

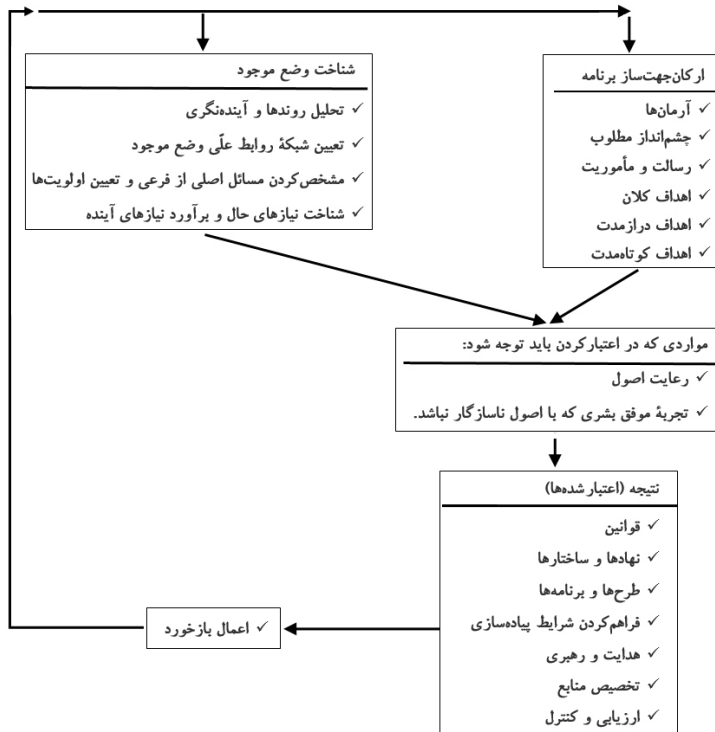
۶. شیوه تحقق آینده مطلوب از نظر دین

جامعه دینی، جامعه‌ای است که در آن قوانین دینی اجرا شود. پرسش آن است که جامعه مطلوب دینی چگونه محقق می‌شود؟ در پاسخ باید گفت با وضع امور اعتباری مناسب با شرایط زمان و مکان در چارچوب دین اصول ناشی از آن و ایجاد نهادهایی که آن اعتباریات و قوانین در آن به دست مجریان مؤمن و صالح اجرا شود، می‌توان جامعه مطلوب دینی را محقق کرد و صرف وضع امور اعتباری مناسب به ایجاد جامعه مطلوب منجر نمی‌شود. توضیح آنکه، یکی از اصول اساسی جامعه مطلوب، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله قلب، زبان و عمل دارد. در مرحله قلب باید شخص از منکر تنفر و انزجار داشته باشد (مطهری، بی‌تا، ج ۶). بعد از آنکه انسان در قلب خود، از عملی متنفر شد، برای خیرخواهی باید فرد را با زبان، امر به معروف و نهی از منکر کند. اگر در مرحله زبانی فرد از عمل خود دست برداشت، به طور معمول در مقابل آن‌هایی که احساس قدرت کنند، می‌توان وارد مرحله عملی شد و با زور طرف مقابل را از کارش بازداشت. اما باید توجه کرد که مرحله عملی، خود به دو مرحله تقسیم می‌شود: اول ایجاد زیرساخت‌های لازم انجام معروف و ترک منکر که به طور معمول بر عهده حکومت و اهل قدرت در محدوده قدرتشان است. دوم برخورد قضایی با از حدگذرندگان که پس از مهیاء شدن زیرساخت‌ها و اقدام منطقی امر به معروف و نهی از منکر، اگر کسی باز هم به دلیل مرض در دل و زیاده‌خواهی مرتکب منکر شد یا معرفی را ترک کرد، در این مرحله، نوبت به اقدام عملی علیه فرد می‌رسد (مه‌دوی نور، ۱۳۹۳).

برای اجرای احکام دینی در جامعه، نخست باید ساختارهای مناسب ایجاد شود تا این ساختارها مردم را به انجام معروف و ترک منکر هدایت کنند. نظام‌های اداری هم باید صالح باشند و قابلیت اجرای احکام دینی را داشته باشند، وگرنه نمی‌توان انتظار انجام معروف و ترک منکرها را داشت.

نمودار ۵ نحوه استخراج قوانین، نهادها، طرح‌ها و برنامه‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور

که در نمودار نشان داده شده، با شناسایی وضع موجود و توجه به آرمان‌ها، چشم‌انداز و... توجه به اصول، تجارب موفق بشری و... قوانین و نهادها و مواردی که برای اداره جامعه نیاز است، استخراج می‌شود.

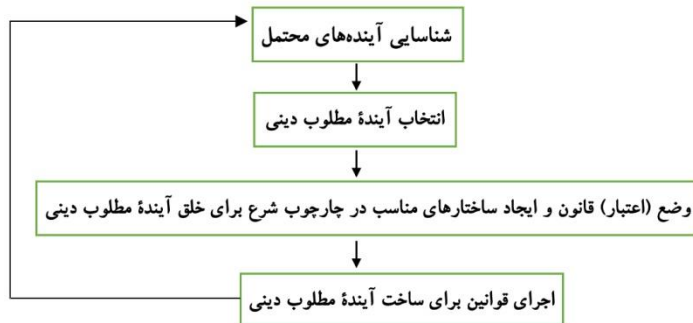


نمودار ۵- نحوه استخراج قوانین از اصول

۷. نتیجه‌گیری

آینده با تلاش بشر ساخته می‌شود و برای ساخت آینده مطلوب لازم است انسان از آینده‌های ممکن و مطلوب آگاه شود. آگاهی نسبی از آینده با آینده‌پژوهی میسر است. از طرف دیگر، زندگی انسان و جامعه انسانی با اعتبارهایی که می‌کند، ساخته می‌شود. این اعتبارها می‌تواند نسبت به جوامع گوناگون و براساس نیازهای متغیر آنها متفاوت باشد. دین در وجه متغیر زندگی انسان اصولی را مطرح کرده تا اعتبارها متناسب با شرایط مکان و زمان، در چارچوب آن اصول انجام شود و این امر همان اجتهاد است. برای تحقق جامعه

مطلوب نیز لازم است ساختارهای مناسب ایجاد شود تا در آن افراد جامعه به معروف سوق داده شده و از منکر بازداشته شوند. نمودار ۶ مراحل قانون‌گذاری و اجرای احکام دینی، بر ساخت آینده مطلوب را نشان می‌دهد.



نمودار ۶- مراحل قانون‌گذاری و اجرای احکام دینی برای ساخت آینده مطلوب

منابع

- قرآن کریم.
۱. آفاجانی، نصرالله (۱۳۹۳). علامه طباطبائی و فلسفه علوم اجتماعی. معرفت فرهنگی/اجتماعی، ۱۸، ص ۲۲-۴۱.
 ۲. بازرگان، مهدی (۱۳۷۱). آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء. تهران: رساء.
 ۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
 ۴. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۴). معنا و مبنای سکولاریسم. کیان، ۲۶.
 ۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۵). تحلیل مفهوم حکومت دینی. کیان، ۳۲، ص ۱-۱۳.
 ۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). دین اقلی و اکثری. کیان، ۱۰.
 ۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۶). تفسیر المیزان. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ج ۳، ۱۶.
 ۸. طباطبائی، سید محمدحسین (بی تا). نه‌ایة الحکمة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۹. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). اصول فلسفه رئالیسم. با مقدمه سید هادی خسروشاهی. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
 ۱۰. علی احمدی، علیرضا؛ سفیدگر، سرور (۱۳۹۷). روش‌شناسی آینده‌پژوهی تطبیقی. تهران: تولید دانش.
 ۱۱. عیوضی، محمدرحیم؛ پدram، عبدالرحیم (۱۳۹۳). امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی. مشرق موعود، ۲۹، ص ۷۹-۱۱۲.
 ۱۲. قانع، حمیدفاضل (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی. معرفت فرهنگی/اجتماعی (۱)، ص ۴۵-۶۸.
 ۱۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۹). آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن. انتظار موعود (۳۴)، ص ۱۲۱-۱۴۸.
 ۱۴. محمودپور، احسان (۱۳۹۲). تأملی بر مبانی نظری آینده‌پژوهی و درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی. تهران: مؤسسه افق آینده.
 ۱۵. مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار. چاپ هفتم، ج ۶، ۲۱. در: لوح فشرده مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی.
 ۱۶. مهدوی‌زادگان، داوود (۱۳۷۹). از قبض معنا تا بسط دنیا. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
 ۱۷. مهدوی نور، سید حاتم (۱۳۹۳). آیین زندگی در عصر مدرن. علی‌آباد کنول: دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۱۸. نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۲). روش تحقیق پیشرفته برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
19. Eden, A.; Moor, J.; Soraker, J. & Steinhart, E. (2013). **Singularity Hypotheses: A Scientific and Philosophical Assessment**. Springer.
20. Moore, G. (1965). Cramming more components on to integrated circuits. *Electronics*, 38(8).

References

Quran.

1. Aghajani, N. (2014). Allama Tabatabai and Philosophy of Social Sciences. *Ma'rifat Farangi Ejtemaie*, 18, P. 22-41. [In Persian]

2. Bazargan, M. (1992). **The Hereafter and God are the purpose of the resurrection of the prophets**. Tehran: Rasa. [In Persian]
3. Khomeini, R. (1990). **Sahifeh Imam**. Tehran: The founders of organizing and publishing the works of Imam Khomeini, Vol.1. [In Persian]
4. Soroush, A. (1995). The meaning and basis of secularism. *Kian*, 24. [In Persian]
5. Soroush, A. (1996). Analyzing the concept of a religious government. *Kian*, 32, P.1-13. [In Persian]
6. Soroush, A. (1998). Less and more religion. *Kian*, 10. [In Persian]
7. Tabataba'I, M.H. (1997). **Tafsir Almizan**. Qom: Baniyad Alami and Fikri Allama Tabatabai, 5^{ed}, Vol.3, 16. [In Persian]
8. Tabataba'I, M.H. (N.D.). **The end of wisdom**. Qom: Founder of Islamic Publishing. [In Persian]
9. Tabataba'I, M.H. (2008). **The principles of the philosophy of Realism**. With an introduction by Seyyed Hadi Khosrowshahi. Qom: Bostan Book Institution, 2^{ed}. [In Persian]
10. Ali Ahmadi, A. & Sfidgar, S. (2018). **The methodology of futures comparative research**. Tehran: Tolid Danesh. [In Persian]
11. Eyvazi, M.R. & Pedram, A. (2014). Feasibility and how to realize the future of Islamic research. *Mashregh mooud*, 29, P.79-112. [In Persian]
12. Qane, H.F. (2004). Futurology and the desirable Islamic society. *Ma'rifat Farangi Ejtemaie*, 1, P.45-68. [In Persian]
13. Kargar, R. (2010). A Qur 'an and a Mahdaviat place in it. *Entezare Mooud*, P. 121-148. [In Persian]
14. Mahmood Pour, E. (2013). **A reflection on the theoretical foundations of futurology and an introduction to the future of Islamic research**. Tehran: Ayndah Horizons Corporation. [In Persian]
15. Motahhari, M. (N.D.). **Total effects**. 7^{ed}, Vol. 6, 21. Qom: Research Center for Computer Science and Islamic Studies (Electronic Version). [In Persian]
16. Mahdavi Zadegan, D. (2000). **Az Ghabz Maana Ta Baste Donya**. Tehran: Farhangi Danish and Contemporary Andishi Foundation. [In Persian]
17. Mahdavinoor, H. (2014). **Lifestyle in the modern age**. Ali Abad Kattool: Islamic Azad University. [In Persian]
18. Nobakht, M.B. (2013). **Advanced Research Method for graduate and doctoral students**. Tehran: Research Institute of Strategic Research. [In Persian]
19. Eden, A.; Moor, J.; Soraker, J. & Steinhart, E. (2013). **Singularity Hypotheses: A Scientific and Philosophical Assessment**. Springer.
20. Moore, G. (1965). Cramming more components on to integrated circuits. *Electronics*, 38(8).

شبهه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.1912652.1268

مهدوی نور، سید حاتم؛ حاجی پور، حسین؛ مولوی، عیسی (۱۴۰۰). نقش آینده پژوهی در قوانین دینی برای اداره جامعه براساس نظریه ادراکات اعتباری. *سیهر سیاست*، دوره ۸، شماره ۲۸، ص ۷۵-۹۴.